



ابراهیمی: من با خانم مصطفی زاده در یکی از برنامه های دیگر تلویزیون آشنا شدم و از همان موقع توانایی اجرای در ایشان دیدم، به نظرم برخلاف اغلب مجری ها حضور دور بین از او آدم دیگری نمی سازد، مهم ترین ویژگی اش این است که مجری نیست، خودش است و در مجموع تیپ نیست، شخصیت است. مادری است که تجربه نوشتن در حوزه مادری هم دارد و حتی حرف ها و چادرش انتخاب خودش است

گفت و گو با سعید ابراهیمی، کارگردان برنامه مامان ها

ریسک هایی که برنامه را بهتر کرد

شاید در نگاه اول، تصور ساخت برنامه ای مادرانه که قرار است به تحلیل و بررسی حس و حال مادرانه و تربیت فرزندان امروز بپردازد از کسی همجنس این موضوع برآید. اما برنامه تلویزیونی «مامان ها» نشان داد می توان در جنسیت مخالف زن ها قرار داشت و هرگز تجربه مادر بودن را نداشت، اما برنامه ای ساخت که در آن بتواند به خوبی حرف و دغدغه مادران امروز را بزند. مامان ها برنامه ای است که هم تهیه کنند، هم کارگردان و هم سردبیر آن مرد هستند، با وجود این به خوبی توانسته اند جنس زنانه و مادرانه را بشناسند و مادرهایی را دور هم جمع کنند که به خوبی بتوانند دغدغه به روز و واقعی و به دور از شعار و کلیشه ها را مطرح کنند. در این بین پازل ها به خوبی کنار یکدیگر چیده شده است. از تدوین و کارگردانی گرفته تا دکور، نورپردازی و... نشان می دهد قبل از ضبط روی تمام بخش ها فکر و تحقیق شده و حساب شده پیش رفته است تا نتیجه آن به برنامه ای با نام «مامان ها» برسد. به همین بهانه گپ و گفتی داشته ایم با سعید ابراهیمی، کارگردان این برنامه تا از تجربه کاری اش برای دنیای زنانه و مادرانه ای که ساخته است، بگوید.

شدیم یکی از روش هایی که به کار می برند در بخش انتخاب لنز است. آنها به جای این که در یک محیط، فضا و خانه کوچک از لنز تله استفاده کنند از لنز واید استفاده می کنند و با استفاده از تجهیزات نوری که با خود داشتیم، با چند تکنیک ساده در انتخاب لنز و نور می توان خانه ها را زیباتر و خودمانی تر به نمایش گذاشت. همین وسواس و توجه باعث می شد بابت این آیت ها هزینه زیادی هم بپردازیم و ساخت آن به اندازه یک برنامه هزینه داشت، اما یک وقت هایی نیاز است مقدمه به خوبی انجام گیرد تا مخاطب بتواند همزمان ها را بشناسد. البته نکته دیگر در این آیت ها، بخش تدوین است. در تدوین تلاش کردم نشان دهم این آدم ها خاکستری اند و شعارگونه و ایده آل گرا صحبت نمی کنند. لازم بود تا خود واقعی شان را نشان دهیم. همین موضوع به علاوه تلاش های تیم خلاق تدوین کمک کرد تا این آیت ها آن طور که شما می گوید، خوب از آب درآید.

بازخوردها را بعد از پخش برنامه چطور دیدید؟

قبل از پخش، حدس می زدیم مخاطبان به جزئیات توجه داشته باشند برای همین هم جزئیات برای ما بسیار مهم بود. حدس مان هم درست بود. همچنین سؤالی که داشتیم این بود موضوعاتی که به آنها می پردازیم برای مخاطب دغدغه است؟ اما تجربه نشان داد مادرها حتی اگر مسأله ای هم نداشته باشند، باعث می شود آن مسأله در ذهن شان شکل گیرد. البته توقع دیگری هم از مخاطب داشتیم که محقق نشد و آن این بود که اجازه دهند چند قسمت این برنامه پخش شود و بعد آن را مورد نقد و قضاوت قرار دهند. برنامه روزهای اول که پخش می شد، قشر زیادی را جذب کرد که مایه مسرت است، اما عده ای هم گارد گرفته بودند که این برنامه می خواهد حرف طیف خاصی از جامعه را بزند و واقعیت های جامعه را نادیده بگیرد... اینها قضاوت های زود هنگامی بود که رفته رفته مخاطب متوجه شد اشتباه می کند و این واکنش ها کمتر شد. اما موضوع مطلوب ما این بود که برنامه را از زاویه ای ببیند که شاید ما به آن توجه نکرده ایم، البته این اتفاق افتاد، اما خیلی کم بود.

خودتان از آنچه ساخته اید، راضی هستید؟

دوست داشتیم حداقل امروز که به این موضوع و برنامه با تحقیق و بررسی رسیده ایم، وضعیت اقتصادی به گونه ای نبود که برای بسیاری بچه دار شدن به یک آرزو تبدیل شود. اگرچه هدف این برنامه صرفا فرزندآوری نیست، دعوت به دقت در تربیت نسلی است که می تواند فردایی مطلوب برای جامعه رقم بزند.



یک خانه قرار دارید. این فضا محیط خانه نیست؟

نه خانه نیست، اما استودیو هم نیست. انتخاب هایی که برای دکور صحنه انتخاب شده برای دکور استودیو نیست. از لوازم گرفته تا رنگ دیوارها و کفپوش برای دکور نیستند. چون اولویت ما این بود تا فضا به سمت شبیه بودن به خانه برود.

نورپردازی ای که در این فضا انجام گرفته خیلی جالب است و به نظر نورهای خانگی هستند. درست است؟

نورپردازی طوری انجام گرفته که مخاطب تصور می کند این محیط خانه است و نور آن نیز خانگی است. در صورتی که این کار ریسک بالایی برای ما داشت. حتی من ریسک دیده شدن نور خورشید را هم پذیرفتم، چون نورپردازها می دانند یکی از دشمن های نورپردازی، نور خورشید است. اما من اصرار داشتم این نور باشد. پنجره هایی که در نزدیک ۳۰ درصد نماها هم دیده می شود برای همین موضوع بوده که

یکی از بخش های موفق این برنامه آیت های معرفی هستند که به خوبی کارگردانی شده اند. چطور شد که توانستید به این فرم در این بخش دست پیدا کنید؟

من و تهیه کننده با یکدیگر تجربه کار رئالیتی شو داریم و به این سبک علاقه دارم. نمونه های زیادی از جمله نمونه های خارجی را نگاه کردیم و متوجه

در برنامه شما جزئیات زیادی وجود دارد. چه انتخاب هایی در نهایت باعث شد بتوانید به این جزئیات دست پیدا کنید. در هر صورت با تماشای چند قسمت از این برنامه مخاطب متوجه می شود شما وارد جزئیاتی شدید که شاید در کمتر برنامه ای آن را دیده باشد. به عنوان مثال، دکوری که برای این برنامه انتخاب شده، دکوری متفاوت نسبت به دکورهای است که تاکنون دیده ایم. این ایده چطور خلق شد؟

یکی از مهم ترین بخش هایی که برای ما بسیار حائز اهمیت بود و برای آن که به نتیجه نهایی برسیم، زمان بسیاری روی آن گذاشته و مشورت زیادی صورت دادیم در زمینه دکور بود. با طراحان دکور زیادی ارتباط برقرار کردیم تا در نهایت به کسی رسیدیم که کارش نه طراحی دکور صحنه بلکه طراحی دکوراسیون داخلی بود. ایده هایی که طراح دکوراسیون داد کمک کرد به ایده های جدید و نویی دست پیدا کنیم. از سوی دیگر زمانی که به بازار می رفتیم برای آن که لوازم مورد نیاز دکور را تهیه کنیم به این موضوع فکر می کردیم که انتخاب هایی متفاوت تر از همیشه داشته باشیم. از تجربه های شکست خورده برنامه های مختلف بهره گرفتیم تا دیگر آن اشتباهات را تکرار نکنیم و فضا و دکور را به سمتی ببریم که این باورپذیری را در مخاطب به وجود آورد و چنین محیطی یک خانه است. به عنوان مثال، تلاش مان برای انتخاب مبلمان به این صورت بود مبلی انتخاب کنیم که در خانه ها استفاده می شود و رنگ جیغی نداشته باشد و مهمان در کادر به خوبی دیده شود. از همین موضوع ساده گرفته تا موضوعات جزئی تر دیگر مانند انتخاب رنگ کابینت ها، دکوری ها و... تلاش شد تا به سمت لوازم و رنگ هایی برویم که در برنامه های تلویزیونی کمتر دیده و انتخاب شده است.

فیلمبرداری برنامه به صورتی است که انگار در

برگ سبز سواری پراید، مدل ۸۶، رنگ سفید روغنی، شماره موتور 2098179، شماره شاسی 1412286191940 و شماره پلاک ۵۷۶۵۸۷-ایران ۸۷ به نام سعید خلخالی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری پراید جی ال ایکس آی، مدل ۱۳۸۴، رنگ سفید شیری، شماره موتور 01337177، شماره شاسی S1412284720218 و شماره پلاک ۴۵۳۶۸-ایران ۳۰ به نام آرش باباخانی اصلی نشرو دکل مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی خودرو پراید، مدل ۱۳۸۷، به رنگ مشکی، شماره انتظامی ایران ۶۷-۷۹۵۰۳۴، شماره موتور 2577702 و شماره شاسی S1442287197242 به نام مژگان الوندی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو MVM، مدل ۱۳۹۷، به رنگ مشکی، شماره انتظامی ایران ۶۷-۲۱۵۴۲۳، شماره موتور MVM4D4G15BAFJ010301 و شماره شاسی NATFBAAV8J1009651 به نام ایرج فرهادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو MVM، مدل ۱۳۹۴، به رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۱۳-۶۷۹۰۷۲، شماره موتور MVM484FAFF034334 و شماره شاسی NATGBAXK5F1034550 به نام سعید عظیم موسوی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری پراید ۱۳۲، مدل ۱۳۹۱، رنگ مشکی متالیک، شماره موتور 4579777، شماره شاسی S5420091700689 و شماره پلاک ۴۶۴۹۱-ایران ۴۶ به نام سجاد کشاورز ویشکائی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پراید، مدل ۱۳۸۱، به رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۲۳-۷۳۵۸۱۹، شماره موتور 00353573 و شماره شاسی S1412281818334 به نام احمد رضا محمدی جانبازلو مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز - برگ کمپانی خودرو کامیونت ون (زامیاد) N24NIB، رنگ آبی-روغنی، مدل ۱۳۸۹، به پلاک ۸۷۷۹۳-ایران ۲۱، به شماره موتور Z24793220Z و به شماره شاسی NAZPLI40BK0527990 به نام کاظم تاجیک به شماره ملی ۰۴۲۲۱۳۸۲۷۴ مفقود و فاقد اعتبار می باشد.